

Soul

متن انیمیشن شماره ۱

جویی : نه ... ایندفعه نه ، بعد از من تکرار کن / مامان، میدونم که ما دوران سختی رو گذروندیم... اما حق با توئه، من نمیتونم باهات صادق باشم ، چون به نظر میاد هر کاری که بکنم توتاییدش نمیکنی!

مامان : ببین من میدونم تو عاشق نواختنی

جویی : پس چرا دوس نداری غیر از کلیسا جای دیگه ای ساز بزنم؟ من بالاخره ... به اون اجرایی که دلم میخواست رسیدم ... بعد تو ناراحتی

مامان : مگه ندیدی چقدر نوازنده بودن پدرت رو تحت فشار قرار داد؟ من فقط نمیخوام مثل اون درجا بزنی جویی : بابام میتونست بره دنبال آرزوش من نمیتونم؟

مامان : پدرت من رو داشت، همیشه خرجمون از این مغازه در میومد، فکر کن من نباشم کی میخواد خرجت رو بده؟

جویی : موسیقی تنها چیزیه که بهش فکر میکنم، از لحظه ای که صبح از خواب بیدار میشم تا لحظه ای که شب تو تختم داره خوابم میبره مامان

مامان : نمیشه که برای صبحونه رویا بخوری جویی!

جویی : ببین اصلا... من نمیخوام چیزی بخورم این در مورد شغلم نیست، در مورد دلیل زندگیمه. میدونم بابا هم همین احساسو داشت. / من فقط میترسم از اینکه یدفعه بمیرم و... زندگیم بی فایده تموم شه، هیچی به هیچی

مامان : جویی...!! // اوه ... / بیا اینجا یه چیزی واست دارم

جویی : این که کت شلوار بابامه!

مامان : لولو، ملبا قیچی خوباتونو بیارین کلی کار داریم